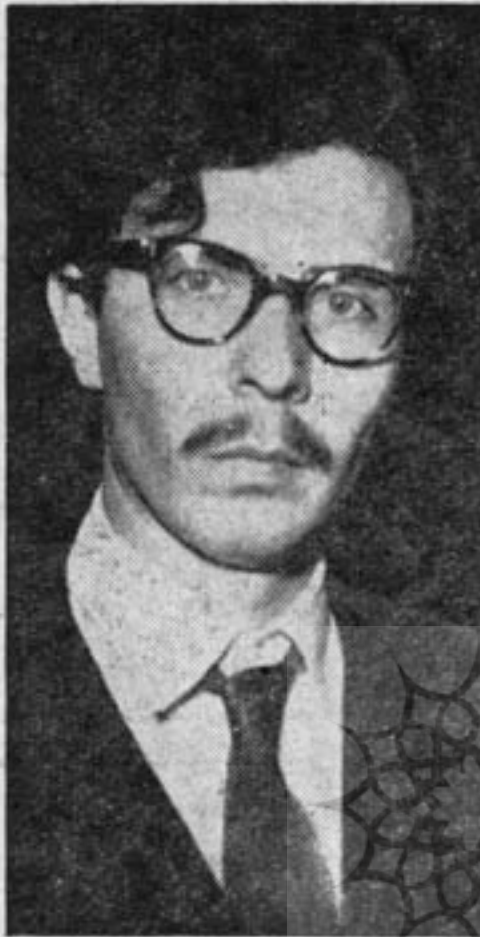


بیوگرافی مختصر

تهمین وئولین

باغچه بان

تهمین باغچه بان، از پدری فعال و پراشتکار و در یک محیط تقریباً فرهنگی دنیا آمده است دوره شش ساله ابتدایی را در ۱۳۱۶ در صفحه ۳۹



در میدانی که با بند و بست‌ها وهو و چنجال برای خود تهیه کرده اند، تنها باشند تا بهتر بتوانند جولان بدهند، ولی باغچه بان و امثال او مایوس نخواهند شد. این هنرمندان راه خود را یافته اند و هدف بزرگ و مقدس خود را کاملاً فهمیده اند. باغچه بان میگوید: اگر چه من از موسیقی ملت خود زیاد توشه بی ندارم، ولی سعی میکنم آثاری بوجود بیاورم که بدرد مردم بخورد و آنرا مال خودشان بدانند.

او برعکس دلقک‌های هنر، میگوید «اگر من چیزی میدانم باید سعی کنم که بدیگران بیاموزم تا به عده خودمان افزوده شود.» شبی در اطاق کار خود در کمال سادگی، یکی از دوستانش میگفت «من صریح میگویم که استعداد فوق العاده بی ندارم، و ناصحی

بهراتب ازمن بهتر است (ناصحی رفیق آهنگساز او است که باهم يك كستروانوار را تمام کرده اند و مثل اینکه باغچه ان باوخیلی ایمان دارد) ولی می بینم که جوانهای باذوقی هستند که اگر کار کنند در مدت کمی مارا پشت سر میگذارند.

البته همسر هنرمند او با گفته شوهرش مخالف بود و بسختی از شوهرش دفاع میکرد.

«تولین» همسر باغچه بان، بیانست و آوازخوان هنرمندی است که بقول باغچه بان «بهترین شاگرد کنسرواتوار» بوده است. شاگردان پنج شش ماهه این هنرمند دلایل زنده می هستند بر قدرت او در فن خودش. تاحال دوبار در سالن فرهنگ رسیتال داده و يك رسیتال آواز و يك رسیتال پیانو هم در خانه فرهنگ شوروی اجرا کرده است.

یکی از دوستان نمین بن میگفت «من پسیانو نواختن او را دیده بودم، ولی هنگام آواز مثل این بود که با تمام بدن حتی سر انگشتان و نوک پاهاش حرف میزد» متأسفانه در آن شب من نتوانسته بودم از آواز این خانم هنرمند لذت ببرم.

با اطمینان میتوان گفت که «تولین» روی همسر خود بی تاثیر نیست؛ و بد نیست بگوئیم ایندو مکمل یکدیگرند.

چیزی که در روحیه باغچه بان زیاد تاثیر گذاشته یکی اینست که وقتی تازه بایران آمده بود، بواسطه نبودن محلی برای کار بسا روزی پنج تومان حاضر می شود در شرکت «آلبا» کار کند ولی پس از دوروز بدون دلیل عذر او را میخوانند، و دیگر کارشکنیها و مسخره بازیهای مقاماتی است که صلاحیت هیچگونه دخالت در کار هنری او ندارند، باضافه شیرین کاریهای اتفاقی وزارت جلیله فرهنگ.

از پارچه هائی که تاحال ساخته میتوان «گشته شد يك رفیق خوزستانی، «سویت مردم» و «لالائی صلح» (که به پسر کارگر شهید اصفهان حسن حیدری تقدیم شده) و بالاخره «یکسکی بود و یکی نبود» را نام برد.

ماتوفیق این زن و شوهر هنرمند را صمیمانه خواستاریم و منتظریم همچنانکه خود گفته اند هنر خود را بیش از پیش برای خدمت به صلح و آزادی ایشار کنند.

همین وئولین

باغچه بان

تمام کرد و به هنرستان موسیقی وارد شد. در این وقت معلمین چک هنوز در استخدام هنرستان بودند **yeroslev Pondelitehek** یاروسلاو پوندلیچک به تعلیم همین روی «لوا» پرداخت و میتوان گفت همین

دوران کودکی

اثر ماکسیم گورکی - ترجمه

کریم کشاورز - ۲۶۸ صفحه ...

بها ۵۰ ریال ناشر بنگاه سپهر.

گورکی دوره های مختلف

زندگی خود را در سه کتاب «دوران

کودکی - در میان مردم - دانشکده

های من» با استاد ی نقاشی

کرده است.

بنگاه سپهر با انتشار ترجمه

فارسی این سه قسمت همت گماشته

و تا کنون قسمت اول و دوم را منتشر

کرده است. ترجمه «در میان مردم»

بنام «در جستجوی نان» انتشار یافته

و بزودی تجدید چاپ خواهد شد.

«دوران کودکی» بهتر از

قسمت دوم ترجمه و چاپ شده است

بهتر بود بنگاه سپهر هر دو قسمت

را بیک قطع و شکل چاپ می کرد

«دانشکده های من» هم چنانکه

اعلان شده در دست ترجمه و چاپ

است.

آزاد شده، بخوبی تشریح می کند

این کتاب که کاندید جایزه

صلح بریتانیا بود بتازگی انتشار

یافته و در مطبوعات آزاد جهان

مورداستقبال فراوان قرار گرفته است

مترجم خود می گوید: «باید

اعتراف کنم که ترجمه کتاب حاضر

آنچنان که باید بفارسی بسیار شیوا

و روانی در نیامده است» اما از

انصاف نمی توان گذشت که مترجم

از دقت و وفاداری نسبت به متن»

چیزی فروگذار نکرده است.

در پایان ناگفته نماند که ترجمه

ناقص و تحریف شده ای در این

کتاب در تهران مصور چاپ میشود

و انتشار ترجمه درست

این اثر، برای نمودن تحریفهای

«تهران مصور» هم مفید است

با آنکه مترجم در نوشتن مقدمه

از مقاله عصر جدید استفاده کامل

کرده معلوم نیست چرا این مطلب

را تذکر نداده است

شخص موسیقی را در آهنگساز جوان پایه نهاد. ولی بعد از دو سال این معلمین کنتراتشان تمام شد و از ایران رفتند.

ثمین از این سال وارد دوره علمی هنرستان شد و تا کلاس چهارم پیش رفت از کلاس پنجم در کنسرواتوار دولتی آنکارا، تحت تعلیم کمپوزیتور ترك «رنجیل کاظم آكشیش» به فرا گرفتن کمپوزیسیون پرداخت. در سال ۱۹۴۷ پلیس ترکیه یا اتهام «تبلیغ افکار چپ» اطلاق او را زیر و رو کرد و تمام ترجمه‌هایی را که از آثار ناظم حکمت کرده بود به یغما برد، و باو دستور داد در ظرف سه روز از کشور ترکیه خارج شود.

ولی باغچه بان بوسایلی توانست یکسال دیگر اجازه اقامت بگیرد و تحصیل خود را تمام کند. و او آخر سال ۱۳۲۸ بعد از دیدن دوره آهنگسازی کنسرواتوار، به تهران آمد.

بائولین همسر خود، در دوره مدرسه آشنائی داشتند، در سال ۱۳۲۵ باهم قرار ازدواج گذاشتند و یکسال بعد از اینکه ثمین به تهران آمد ثولین هم تحصیل خود را تمام کرد و بنزد او شتافت.

ثولین در سال ۱۹۲۸ در شهر «مرسین» ترکیه بدنیآ آمده است. بعد از دوره ابتدائی دو سال ترك تحصیل کرد، سپس به همان کنسرواتوار دولتی آنکارا وارد شد، و بشاگردی پیانیست مشهور ترکیه، «میتات فن من» شاگرد استاد بزرگ پیانو «کورتو» (که در اغلب ممالک اروپایی کنسرت داده بود) مشغول تحصیل شد، در ضمن در کلاس آوازخوان معروف و قدیمی ابرای وین «مادام فریدل بوهم» هم بعنوان مستمع آزاد وارد شد زیرا سنش کم بود و بعنوان شاگرد رسمی قبولش نمیکردند. از آنجائیکه ثولین استعداد وافری دارد سه سال هم برای توسعه معلومات فنی خود کمپوزیسیون خواند. این زن هنرمند ازدومین سال ورود به کنسرواتوار در تمام مدت تحصیل در کنسرت‌های کنسرواتوار شرکت میکرده است و شاید هم تعجب نکنید که او دوره نه ساله لیسانس پیانورا در عرض هشت سال تمام کرده، زیرا توانسته است از کلاس دوم به کلاس چهارم برود.

پدر و مادر او هر دو برای درك موزيك استعداد داشته‌اند، و

جواب نامه شما

• آقای عباس باقری - متأسفانه جا برای چاپ نامه شما نداریم. اشتباه نکنید ما عنوان «انتقاد کتاب» را از بالای آن

ستون برداشته ایم و آنچه درباره کتابها می نویسیم در خود عنوان ستون مزبور است.

شما نباید هم از اظهار نظر ما متأثر شوید. برای آنکه بدانید نویسنده آن چند سطر در اظهار نظر صالح بوده شماره سوم معرفی نویسندگان مترقی معاصر را درباره شلوخف ملاحظه فرمائید.

خیلی خوشوقت می شویم اگر با ما مربوط شوید و همکاری کنید.
• ع. امین - از یادآوری شما متشکریم. نوشته شما از دل برخاسته و بردل می نشیند. آنرا نگاه میداریم تا جای مناسبی در مجله پیدا شود. خواهشمندیم یاز با ما مکاتبه کنید.

• آقای بهزاد شکوری (شیراز) - نامه شما رسید و ما را دلگرمتر و امیدوارتر ساخت.

• ۱ - بیرنگ - معلوم نیست که علاقه نویسنده آن مقاله به آن روزنامه کمتر از ما باشد. انتقادهای شما را در مقاله ای باید جواب داد. راستی از امضای خود شما هم معلوم نیست که «آقا یا خانم؟» هستید، دقت و توجه شما قابل تقدیر است.
• دوشیزه ت. ج (کرمانشاه) - کسانی که مدال طلا گرفته اند

از این قرارند:

فوجیک (چکسلواکی) ناظم حکمت (ترکیه)
پابلو نرودا (شیلی) سادو یانو (رومانی) ژان ریشار
بلوک (فرانسه) لوی واکن (رژیسور فرانسوی)
پابلو پیکاسو (اسپانیا) رنا توکوتوزو
(نقاش) پل ربسون (خواننده سیاه پوست
امریکائی) واتلاف دو بیاش (آهنگساز چک)



اعضاء خانواده هر دو فامیل خوش صدا هستند. پدرش حسابدار بانک و مادرش معلمه می بوده است.

نمین آرزو دارد کمپوزیتور بزرگی برای مردم بشود.